

نگاهی به سیرالمنازل

اثر میرزا سنگین بیگ *

دکتر علی رضا خان †

دهلی یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین شهرهای هند است که همواره مرکز علم و هنر و سیاست و ثقافت و محل سکونت شعرا، ادبا، علما، عرفا و صوفیا بوده است به همین سبب در آثار ادبی و تاریخی، دهلی را به خطاب‌هایی مثل حضرت دهلی، بغداد هند، دارالبرکت و دارالمعارف و مصر جامع، مجمع و مرجع صاحب کمالان هفت اقلیم یاد کرده‌اند.

شهر دهلی به دست امیر قطب‌الدین ایبک فتح شد و او این شهر را پایتخت خود قرار داد، او یکی از غلامان سلطان بزرگ شهاب‌الدین محمد بن سام غوری پادشاه غزنه و خراسان بود. دهلی قدیم چند نام داشته بود: دین‌پناه، جهان‌پناه، تغلق‌آباد، فیروز‌آباد، شیر شاهی یا شیرگر و شاهجهان‌آباد و جز آن. بیشتر حکمرانان مسلمان دهلی را پایتخت خود قرار دادند.

راجه‌های دهلی همیشه تابع راجه‌های قنوج بوده‌اند. زمینداری که نامش دهلو بود، دیهی به نام اندرپت آباد کرد به مرور زمانه این ده به نام دهلی مشهور شد. شهر دهلی پایتخت حکومت مسلمانان از قرن دوازده تا نوزده میلادی بوده است.

* مصحح و مترجم پروفسور شریف حسین قاسمی، رئیس اسبق بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی. این کتاب در سال ۱۹۸۲ میلادی از غالب انستیتیوی، دهلی نو، چاپ شده است.
† پژوهنده مرکز تحقیقات فارسی، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو.

کتاب سیرالمنازل در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی نگاشته شده و مستند و مهم‌ترین مأخذ برای شناختن دهلی است. میرزا سنگین بیگ این اثر را به درخواست آقای چارلس ثیافلس متکف و آقای ولیم فریزر تألیف کرده و در صله این کتاب انعام و اکرام هم یافته است. مؤلف خودش در این کتاب می‌نویسد:

”من رهین احسان فراوانش آن را نوشته مانند تصویر بر خاقان و پشه پیش سلیمان، به حضور بردم و به جلد وی آن به صله عالی فایز گشتم“.

موضوع سیرالمنازل تاریخ دهلی، شاهان و فرمانروایان دهلی، آثار تاریخی دهلی و جغرافیای دهلی است.

نسخه خطی سیرالمنازل

در دهلی دو نسخه خطی سیرالمنازل وجود دارد. یکی در موزه قلعه سرخ دهلی به شماره ۴۰،۲۰۶ و دومین نسخه این اثر در موزه ملی، دهلی نو به شماره P.S. 20 نگهداری می‌شود. ریو از دو نسخه دیگر هم اطلاع داده است.

سیرالمنازل اولین کتاب فارسی است که در آن تاریخ اجمالی از ابتدای بنای دهلی نگاشته شده است. سلاطین و حاکمان در این شهر قلعه و محلات و مساجد و بناهای دیگر بنا نهاده‌اند. در این کتاب جغرافیا و محل وقوع بناهای تاریخی، مساجد و مدارس و مقابر و مزارات و کتیبه‌های آن ذکر شده است و احوال مختصر اهل صنعت و حرفت، علما و مشایخ معروف ساکن در دهلی، سرا، کوچه و خیابان، بازار، حویلی، دروازه، باغ، حوض، تالاب، نهر، دریا، و جز آن بیان شده است به همین سبب باید سیرالمنازل را تاریخ تفصیلی شهر دهلی بنامیم.

قدمت شهر دهلی و تاریخ اجمالی این شهر این طور ذکر شده است:

”هستناپور، آن طرف دریای گنگ تا دهلی، یک شهر بوده و دریای گنگ و جمن در میان این شهر جاری بود. بعد از جنگ کوروان و پاندوان دو شهر جدا مقرر شدند. هستناپور به همان نام مشهور ماند و دهلی، اندرپت

مشهور گردید. بعد از مرور دهور، دهلو نام زمیندار دیهی در این زمین اندرپت آباد کرده و آن دیه مشهور به دهلی شد. [بعد] از آن باز دهلی روز به روز آباد گردید تا سمیت چهار صد و بست و نه بکرماجیت راجه اننگ پال از قوم تور رایت فرمانروایی افراشت و نزدیک اندرپت دهلی را شهر معظّم ساخته، آباد کرد و به این نام مشهور گردید و راجه‌های علیحده علیحده در این سروری و فرمانروایی ریاست نمودند و در هنگام سلطنت و جهان‌گشایی سلطان محمود غازی غزنوی، مهی پال پسرش اند پال ریاست دهلی می‌کردند.^۱

مؤلف سیرالمنازل درباره سکونت مسلمانان در شهر دهلی این طور توضیح می‌دهد: "سلطان محمود که چند بار متوجّه قنوج و سایر بلاد هندوستان تا سومنات گردید، به طرف دهلی نیامد تا اینکه سلطان‌الشهدا سالار مسعود غازی وارد دهلی گردیده با مهی پال، راجه دهلی مجادله فرمود. مهی پال از دست سلطان‌الشهدا زخمِ گران برداشته، فرار کرد و در راه بمرد و اند پال پسرش، یک زخم بر روی و بینی و لب سالار مسعود غازی زده، بدر رفت. از آن روز فیروز اهالی اسلام در دهلی سکونت نمودند."^۲

مؤلف اطلاع می‌دهد که مسجد قوه‌الاسلام و مناره قطب، با حکم سلطان قطب‌الدین ایبک و سلطان شمس‌الدین ایلتمش در جوار خواجه قطب‌الدین بختیار کاکای^۳ ساخته شده است و درباره منهدم کردن قلعه رای پتهورا و بناهای دیگر نیز مطالب مهمی بیان می‌کند. به حکم سلطان قطب‌الدین ایبک قصری به نام قصر سفید ساخته شده بود درباره آن این طور می‌نویسد:

"سلطان قطب‌الدین ایبک و سلطان شمس‌الدین ایلتمش، مسجد قوه‌الاسلام و مناره که در جوار خواجه قطب‌الدین واقع است... محل رای پتهورا را شکسته، تعمیر فرمودند. و این دو بادشاه در قلعه رای پتهورا بودند. سلطان

۱. سیرالمنازل، ص ۳، ۴.

۲. همان، ص ۴.

قطب‌الدین ایبک در این قلعه قصری ساخته بود، موسوم به قصر سفید^۱. سلاطین و حکمران در شهر دهلی بناهای جدید به مصداق: "هرکه آمد عمارتی نو ساخت" بنا کردند. سلطان ناصرالدین محمود غازی مکان هزار ستونی و سلطان غیاث‌الدین بلبن یک قلعه و شهری و سلطان کیقباد شهری و سلطان جلال‌الدین خلجی شهر و قلعه دیگری و غیاث‌الدین تغلق قلعه و شهری و سلطان فیروز شاه یک شهر و نقبی (گذرگاه زیر زمینی) که از فیروزآباد تا مکان جهان‌نما سواره می‌آمدند و مناره‌ای بنا کردند. مؤلف این طور توضیح می‌دهد:

"سلطان ناصرالدین محمود غازی، مکان هزار ستون بنا کرده و اتمام آن هزار ستون در عهد سلطان غیاث‌الدین بلبن گردیده و سلطان غیاث‌الدین بلبن مرقوم در عهد خود قلعه دیگری در سنه شش صد و شصت هجری اساس نهاده، به مرزغن مشهور گردانید و شهری آباد نمود، معروف به غیاث‌پور، جایی که مزار حضرت نظام‌الدین اولیا است واقع و سلطان معزالدین کیقباد در عهد خویش در سنه شش صد و هشت هجری بر ساحل دریای جمن شهر دیگر، مشتمل بر عمارات دلکشا آباد کرده موسوم به کیلوکهری نمود که بالفعل در آنجا گنبد معطر و مرقده منور نصیرالدین محمد همایون بادشاه غازی جنت آشیانی واقع... سلطان جلال‌الدین خلجی مخاطب به شایسته خان در وقت ریاست خود شهر کوشک لال بنا کرد و بعد از آن علاؤالدین خلجی شهر دیگر بنیاد نهاد و قلعه نو برخاست که آن را سیری می‌نامند و سلطان غیاث‌الدین تغلق در سنه هفت صد و بست و پنج هجری، شهر و قلعه تغلق‌آباد طرح انداخت و سلطان محمد تغلق شاه‌پوره و در هنگام فرمانروایی خود قصری دیگر فراهم آورد، بلند ایوانی برافراخت و هزار ستون از سنگ رخام بکار رفت و دیگر منازل دلکشا بر روی کار آورده و سلطان فیروز شاه در سنه هفت صد و پنجاه و پنج هجری شهر فیروزآباد طرح انداخته و دریای جمن را بریده نزدیک آن روان گردانید و سه گروهی آن فیروز شاه بادشاه کوشکی دیگر مشتمل بر مناره

۱. سیرالمنازل، ص ۵.

جهان‌نما برافراشت که تا حال در کوتله قایم است و عوام‌الناس آن را «لاتِ فیروز شاه» گویند و سلطان مذکور یک نقب (گذرگاه زیر زمینی) ساخته بود که از فیروز‌آباد تا مکان جهان‌نما سواره می‌آمدند.^۱

مؤلف دربارهٔ آبادی شاهجهان‌آباد و خرج دیوان خاص و محلات و عمارات و چهار دیواری قلعهٔ سرخ و چاه و باوری و جز آن بیان می‌کند و دربارهٔ وسعت قلعه و بلندی دیوار و درازی و پهنای قلعه و مدت آن هم اطلاعات مهمی به هم می‌رساند. او می‌نویسد:

”احوال آبادی دارالخلافهٔ شاهجهان‌آباد و تیاری قلعهٔ مبارک بنا کردهٔ شاهجهان بادشاه به تاریخ پنجم ذی‌الحجه الحرام سنه ۱۰۴۸ هجری مطابق سال دوازدهم جلوس شاهجهان بادشاه غازی حکم کردن بنیاد قلعه صادر شد. بعد از پنج ساعت، دوازده دقیقهٔ نجومی از شبِ جمعه، نهم محرم الحرام ابتدای سنه ۱۰۴۹ هجری اساس بنای آن شروع شد و در سال هزار و پنجاه و هفت هجری مطابق سال بست و یکم جلوس شاهجهان در عرصهٔ نه سال، به صرف پنجاه و نه لک و پنج هزار روپیه به موجب ذیل خرج شده:

شاه محل و انجمن دیوان خاص: دو لک روپیه؛ باغ حیات بخش و حمام: شش لک؛ منازل نواب جهان‌آرا بیگم صاحب، صبیبه بادشاه و دیگر بیگمان اهل محل: هفت لک روپیه؛ و عمارات دیگر مع چوک اندورن قلعه و کارخانهٔ بادشاهی: چهار لک روپیه؛ و چهار دیواری قلعه و خندق: بست و یک لک روپیه؛ چاه و باوری و غیره: نود و پنج هزار روپیه.

درازی قلعه: هزار گز شاهجهانی؛ و پهنای قلعه: سی صد گز؛ و بلندی دیوارش: بست و پنج گز؛ و بنیاد آن: پانزده گز؛ عرض و طول در زمین: پانزده گز؛ و عرض بالا: ده گز؛ وسعت میان تمام قلعه: شش لک ذرعه، یعنی دوچند از قلعهٔ اکبرآباد است.^۲

۱. سیرالمنزل، ص ۵، ۶.

۲. همان، ص ۸، ۹.

مؤلف مسجد جامع بنا کرده شاهجهان پادشاه، و کتیبه‌های آن را مفصلاً توضیح می‌دهد: "کتبه جامع مسجد دارالخلافة شاهجهان آباد بنا کرده شاهجهان پادشاه غازی که یازده در بیرون و هفت در اندرون دارد و (بر) پیشانی محراب اندرون که محاذی در کلان جای ایستادن پیش امام است به خط ثلث کنده است"^۱. درباره مسجد اکبرآبادی معلوم می‌شود که این مسجد هفت در دارد و بر دروازه این مسجد کتیبه‌ای بزرگ به خط نسخ کنده شده بود. بخشی از آن را نقل می‌کنم: "مسجد اکبرآبادی، بر دروازه مسجد این عبارت به خط نسخ کنده است: این مسجد فیض انما و سرای راحت جا و حمّام نظافت اما و چوک دلکشا که عبادت گاه حق پرستان روزگار و روح افزای مترددان اقطار و نزهتکده آسمانیان و دارالنفع زمینان است در عهد سعادت مهد پادشاه اسلام، کھف انام، سایه پروردگار، خلیفه برگزیده کردگار راحت اعم ذی الجلال، مظهر اتم دادار بی‌همال ابوالمظفر شهاب‌الدین محمد صاحبقران ثانی شاه جهان پادشاه غازی... موفقه خیرات و میرات محرره سعادات و حسنات اعزالنسا مشهور به اکبرآبادی محف، به فرمان معلی بنا کرد...".^۲ این مسجد هفت در دارد. بر در میانه که از درهای جانبین کلان است سوره الفجر کنده است"^۲.

اطلاعی درباره بازار اردو و باغ گلابی و فیل‌خانه مرزا جهانگیر بهادر و حویلی پورن خیاط و بازار دربیبه به این طور نوشته:

"مکان بازار اردو و باغ گلابی، فیل‌خانه مرزا جهانگیر بهادر شاهزاده و کوچه بلاقی بیگم که راه دیگرش در دربیبه کلان می‌رود و حویلی پورن خیاط و کوچه دیگر مسکن رعایا و مکان داک و خونی دروازه واقع. بازار دربیبه: اندورنش کتره مشروع و حویلی‌ها و کوتاهی‌های مهاجنان و در بازار مرقوم هر دو جانب دکان‌های صرافان و مکان مدرسه و مسجد نواب شرف‌الدوله. بر

۱. سیرالمنازل، ص ۱۳.

۲. همان، ص ۳۱، ۳۲.

پیشانی دالان مسجد این تاریخ کنده است:

در زمان شه خورشید سریر ظل حق ماه زمین شاه زمان
 ناصرالدین که محمد شاه است تیغ او کفر شکن در دوران
 شرفالدوله بنا فرموده مسجد و مدرسه عالی شان
 این دو بیت الشرف علم و عمل همچو سعدین فلک کرده قران
 سال تاریخ بنا گفت خرد «قبله حج ارادت کیشان»^۱

درباره اطراف و اکناف کوچه بلیماران اطلاعات مفصل به دست می‌رسد. می‌نویسد:

«کوچه بلیماران... مکان پُلس چاندنی چوک که تعلق به چبوتره کوتوالی دارد. از آنجا کتره ریوری واله و حویلی نواب حیدر قلی خان ریاست گاری بانان می‌باشد و مسجد فتح‌پوری بیگم بنا ساخته مسلمات فتح‌پوری بیگم خواص شاهجهان بادشاه. جانب جنوب مسجد کوچه واقع. در آنجا کتره غلام محمد خان و کتره گوندی و غیره و دکان حافظ الهی بخش بساطی و دکاکین مسجد مرقوم. عقب مسجد، کتره بنا ساخته فتح‌پوری بیگم مذبور و دکان میده‌گران و کوچه کهاری باولی و دکان بتاشا واله‌ها و دکاکین پنساریان و محمد امین عطار و کوچه بانس نو و گذر لاهوری دروازه شهر و مکان پُلس ملحق به دروازه مرقوم»^۲.

مؤلف درباره محل وقوع باغ شالامار، باغ روشن آرا، باغ سرهندی، باغ فدای خان، باغ قرع خان، باغ چک بکرم، باغ دربار خان، باغ جواهر خان، باغ محلدار خان، باغ پتنی‌مل و غیره و کتیبه باغ‌ها توضیح داده است. می‌نویسد:

«از کابلی دروازه مرقوم تا باغ شالامار شاهراه جاری‌ست... نواح آن، باغ‌ها معروف به روشن آرا و سرهندی و فدای خان و قرع خان و چک بکرم و غیره باغات و ناله در هاله و به جانب دست راست فیض نهر به سمت شهر جاری‌ست... (از بازار سبزی‌فروش‌ها) یک احاطه واقع است معروف به باغ

۱. سیرالمنزل، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۴۲، ۴۳.

دربار خان بر دروازه احاطه نوشته:

رباط و مسجدی با خانقاه و آن دکاکین هم نموده وقف کل دربار خان بانی این گلشن
 زمین طرف شمال و خانقار طرف مشرق هم علی الفقرا و تعمیر مصرف‌های این مسکن
 اگر خواهی که از سال بنای او شوی آگه بود «خلوتگه احباب» تاریخش شنو از من
 از آن پیش باغ جواهر خان... از آن پیش ترپولیه و باغ محلدار خان ناظر
 محمد شاه بادشاه... کتبه دروازه باغ ناظر مذکور:

خداداد صد آرزو در جهان بنا گشت از فضل حق این مکان
 پی باغ تاریخ گفتم عیان «فدای محمد، محلدار خان»
 به نذر خدا کرد باغ جنان غلام نبی، ناظر محلدار خان

از آن پیش، باغ تنی مل و باغ کاکوان صاحب و مبارک باغ که الحال تیاری آن
 باغ جرنیل صاحب، رزیدنت دارالخلافه، نموده‌اند.^۱

درباره مسجد شاه نظام‌الدین و کتیبه قبر شاه که در عهد مرهته فرماندار بود، این
 طور می‌نویسد:

«کتبه قبر شاه نظام‌الدین رحمه الله علیه که در عهد مرهته صوبه دار دارالخلافه
 بودند، به طرف بالین نوشته است
 زبده ارباب عرفان قطب کامل غوث دهر آنکه یزدانش نظام‌الدین احمد نام گفت
 واصل خلد برین گردید و سید سال آن «جای او خلد برین شد» از سر الهام گفت
 ... و مسجد بنا ساخته شاه نظام‌الدین مرحوم که ستون‌های هر سه درش از
 سنگ ابری ست و قسم آن سنگ در این ضلع نایاب»^۲.

درباره درگاه سید حسن رسول‌نما که در عهد شاهجهان پادشاه محدث، مفسر و
 عالم معروف بود. می‌نویسد:

«درگاه حضرت سید حسن رسول‌نما رضی الله عنه که به تاریخ بست و دوم
 شعبان، عرس ایشان می‌شود و بر دیوار بالین احاطه درگاه ممدوح نوشته:

۱. سیرالمنازل، ص ۴۷، ۴۸.

۲. همان، ص ۵۴.

حسن رسول‌نما افتخار آل حسین اویس قرنی ثانی و ثالث حسنین^۱

درباره سنگی که معروف به «لات فیروز شاه» است این طور توضیح می‌دهد:
 «... متصل کوه کماؤن که از کوه‌های شمالی هندوستان است، این هر دو سنگ افتاده بودند و قوم هنودان چنین مشهور نموده بودند که شخصی از اوتارهای ایشان بود، نامش معلوم نیست، این سنگ‌ها را به جای چوب به دست گرفته گاوان خود را می‌چرانید. بعد مردنش قوم هنود برای پرستش سنگ‌های مرقوم می‌رفتند و از ملک‌های دور دست آمده، به طریق میله هردوار جمع می‌شدند و می‌گفتند: کسی که این هر دو سنگ را خواهد برداشت یا خواهد جنبانید، پَرکو یعنی قیامت صغری به ظهور خواهد آمد. پس فیروز شاه از استماع آن حال بنا بر باطل نمودن زعم آن هردو سنگ را که از صدمات زلزله‌الارض از جا به جا شکسته از پا افتاده و دویمی را در کوتله مرقوم که الحال موجود است، انگشت نما ساخته^۲».

مؤلف درباره مقبره شمس‌الدین محمد خان اتگه اکبر پادشاه و شجاعت و دلیری اکبر و قتل کردن شمس‌الدین محمد خان، چنین می‌نویسد:

«بیرون احاطه جالی‌های سنگ سرخ درگاه حضرت نظام‌الدین به طرف مشرق، مقبره شمس‌الدین محمد خان اتگه اکبر پادشاه که از دست ادهم خان بر سر دروازه محل سرای خاص پادشاه اکبر، از ضرب خنجر کشته شده بود. سبب فوتش این بود که ادهم خان برادر عزیز مرزا کولتاش خان مخاطب به خان اعظم که پسر ماهم انگه پادشاه اکبر بود، اراده فاسد نموده به کشتن پادشاه محمد اکبر آمده، چونکه شمس‌الدین محمد خان بر در دولت همه وقت حاضر می‌ماند، ادهم خان را دید که بی‌باکانه به دولت سرا می‌آمد، به مزاحمت برخاست. ادهم خان از ضرب خنجر یا شمشیر، خان مذکور را کشته، اندورن به تلاش پادشاه رفت. از تقدیر الهی آن وقت پادشاه خود به خود اراده آمدن از

۱. سیرالمنازل، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۶۶.

محل سرا نموده. شخصی از خواصان، شمشیر به دست بادشاه داد و یا از خود شمشیر به دست گرفته، می‌آمدند. دیدند که ادهم خان مذکور بلا تأمل می‌آید. شاه صدای مهیب برو انداخته و از یک دست، هر دو دست آن نابکار گرفته، یک مشت زده که جان از قالبش به در رفت و هلاک شده افتاد. می‌گویند که عمر بادشاه در آن وقت دوازده ساله بود.

بر مقبره شمس‌الدین محمد خان، بر دروازه مغرب رو شروع سوره الملك تا آیت ألم یأتکم نذیر. کتبه باقی محمد^۱.

ذکر تفصیلی کتیبه مسجد قوت‌الاسلام و تاریخ بنیادش کرده اینجا بخشی از آن نقل می‌کنم:

”بنای مسجد به موجب حکم سلطان شهاب‌الدین عرف معزالدین گردید در ۶۰۶ و اتمام مسجد مرقوم را سلطان شمس‌الدین ایلتمش بر دست همت خود گرفته. به قید حیات خود در تعمیر عمارت مسجد و یک مینار قصور نکرد و مسجد مذکور متصل درگاه خواجه قطب‌الدین بختیار کاکای اوشی رحمه‌الله علیه. بر دروازه احاطه جانب مشرق کنده:

این مسجد را بنیاد کرده قطب‌الدین خدا رحمت کناد و هر که بیند این خیر را دعا کند.

بر دروازه شمالی مسجد مذکور که بنا کرده سلطان شهاب‌الدین است، این کتبه کنده:
بسم الله الرحمن الرحيم والله يدعوا إلى دار السلام ويهدى من يشاء إلى صراط مستقيم. هذه العمارة العالی امر السلطان المعظم المعز الدنيا و الدين محمد بن سام ناصر امير المؤمنين فی شهر اثنی و تسعين و خمس مائة.
و مسجد مذکور یازده در داشت^۲.

مؤلف درباره مزار حضرت خواجه نصیرالدین چراغ دهلی، کتیبه و تاریخ وفات او این طور ذکر می‌کند:

۱. سیرالمنازل، ص ۸۰.

۲. همان، ص ۸۰.

”از آنجا [کوتله] درگاه حضرت نصیرالدین چراغ دهلی به فاصله یک و نیم گروه واقع. بر دروازه درگاه، بر سنگ مرمر بدین خط کنده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

تیمناً بذكره عمارت این گنبد نمون در عهد همایون الواصلق به تائیدالرحمان ابوالمظفر فیروز شاه الشاه السلطان خلدالله ملکه سال هفتصد و هفتاد و دو هجری رسول صلی الله علیه وسلم بوده. و اندرون گنبد مزار حضرت نصیرالدین بر دیوار مغرب به آب زر نوشته:

محمد الله الله محمد

و تاریخ وفات نصیرالدین چنین یافتند که به تاریخ هجدهم ماه رمضان المبارک ۷۵۷ هجری وفات گردیده^۱.

درباره تالاب شمسی و محل وقوع مسجد اولیا اطلاع می‌دهد. می‌نویسد:

”مسجدیست بر تالاب شمسی که آن را «اولیا مسجد» می‌گویند و در تالاب شمسی یک گنبد واقع که در میان آن گنبد بر سنگ سرخ نشان نعل اسپ. می‌گویند که این نعل اسپ حضرت مولی مشکل کشا علی علیه السلام است^۲.

به طور خلاصه چنین می‌توان گفت که کتاب سیرالمنازل اثر میرزا سنگین بیگ یک اثر مسلم تاریخی است که با مطالعه آن می‌توان مطالب مهمی در زمینه تاریخ اجتماعی، معماری و مردم‌شناسی شهر دهلی به دست آورد.

۱. سیرالمنازل، ص ۹۲-۹۳.

۲. همان، ص ۱۱۵.